

آینده سازان بی خانمان

شنبه



مستم یآوری

الان ۶۴ امین روزی است که داریم دنبال خانه می گردیم. بنگاهی اصغر آقا دیگر ما را می شناسد. هر وقت وارد می شویم می گویند «آه، خانواده هفت نفره ما چطورن؟»

و من و همسر هر بار از داشتن پنج فرزند که آینده سازان کشور هستند به خودمان افتخار می کنیم. امروز اصغر آقا قبول داده صاحبخانه را راضی کند تا ما را با این تعداد بالا بپذیرند. همسر می گوید باید در مخارج این ماه صرفه جویی کنیم چون هزینه راضی کردن صاحبان خانه جهت پذیرش فرزندان زیاد بالا رفته است و بارانه هم به آن تعلق نمی گیریم.

یکشنبه

امروز تصمیم گرفتیم به اصغر آقا بنگاهی خیانت کنیم و بنگاههای دیگر را هم بگردیم.

همه چیز داشت خوب پیش می رفت و ما یک خانه با شرایط فوق العاده پیدا کرده بودیم که پسر کوچیکه بیرون روی اش گل کرد و از صندوق عقب ماشین داد زد «مامان جیش دارم» و این بنگاهی هم فهمید به غیر از دوتایی که کنارمان ایستاده اند، یکی دیگر هم داریم. هویت مان در این بنگاهی هم لو رفت. دنبال شناسایی هدف جدید هستیم.

دوشنبه

خانه ای که دیروز نشان مان دادند خوب بود اما دستشویی مشترک با بقالی بالای خانه کمی کارمان را سخت می کرد. پنج تا بچه اگر بخوانند هر دفعه برای قضای حاجت از بقالی عبور کنند، هوایی می شوند و خرج شان بالا می زند. بنگاه جدیدی که پیدا کرده ایم می خواهد مطمئن شود همین دو تا بچه را داریم. مردم خیلی فضول شده اند به خدا.

سه شنبه

امروز خیلی به مغزم فشار آوردم. یاد مسأله های دبیرستان افتادم که هیچ وقت نمی توانستم حل کنم. چطور می شود در یک خانه ۷۰ متری با هفت نفر زندگی کرد؟ شوهرم خیلی باهوش است. سریع حساب کرد که به هر نفر ۱۰ متر جا می رسد و کل آشپزخانه را داد به من. من به داشتن این مرد افتخار می کنم.

چهارشنبه

صاحبخانه خیلی مهربان است. همین که فهمید دو تا بچه داریم کلی ذوق کرد و از اهمیت داشتن فرزند در این جامعه صحبت کرد.

حتی گفت اخیراً مقاله ای خوانده که اگر این روند فرزندآوری ادامه داشته باشد چند سال بعد کشور پیر خواهیم بود. خیلی خوب حرف می زد.

آنقدر با ملاحظه و مهربان بود که گفت حتی اگر بچه ها سر و صدا کنند یا دیوار را خط بیندازند دیگر از ما خسارت نمی گیرد بلکه مستقیم حکم تخلیه می گیرد تا دیگر اعصابمان سر چیزهای الکی خرد نشود.

پنجشنبه

دیروز اجاره نامه را بستیم. خدا رو شکر بالاخره خانه گیرمان آمد.

در اینترنت «راه های قایم کردن فرزندان از چشم صاحبخانه» را سرچ می کنم.

جواب های خوبی داده است. حساب کرده ام اگر هر کدام از راهکارها را در یک ماه پیاده کنیم برای یک سال آینده کافی است.

فقط نگرانم که در راهکار قایم کردن کودک در شومینه یادمان برود و بچه جزغاله شود. چند تازن و شوهر به فامیل داریم که بچه می بینند ذوق می کنند می توانیم هر کدام از بچه ها را ماهی یک بار به آنها قرض بدهیم.

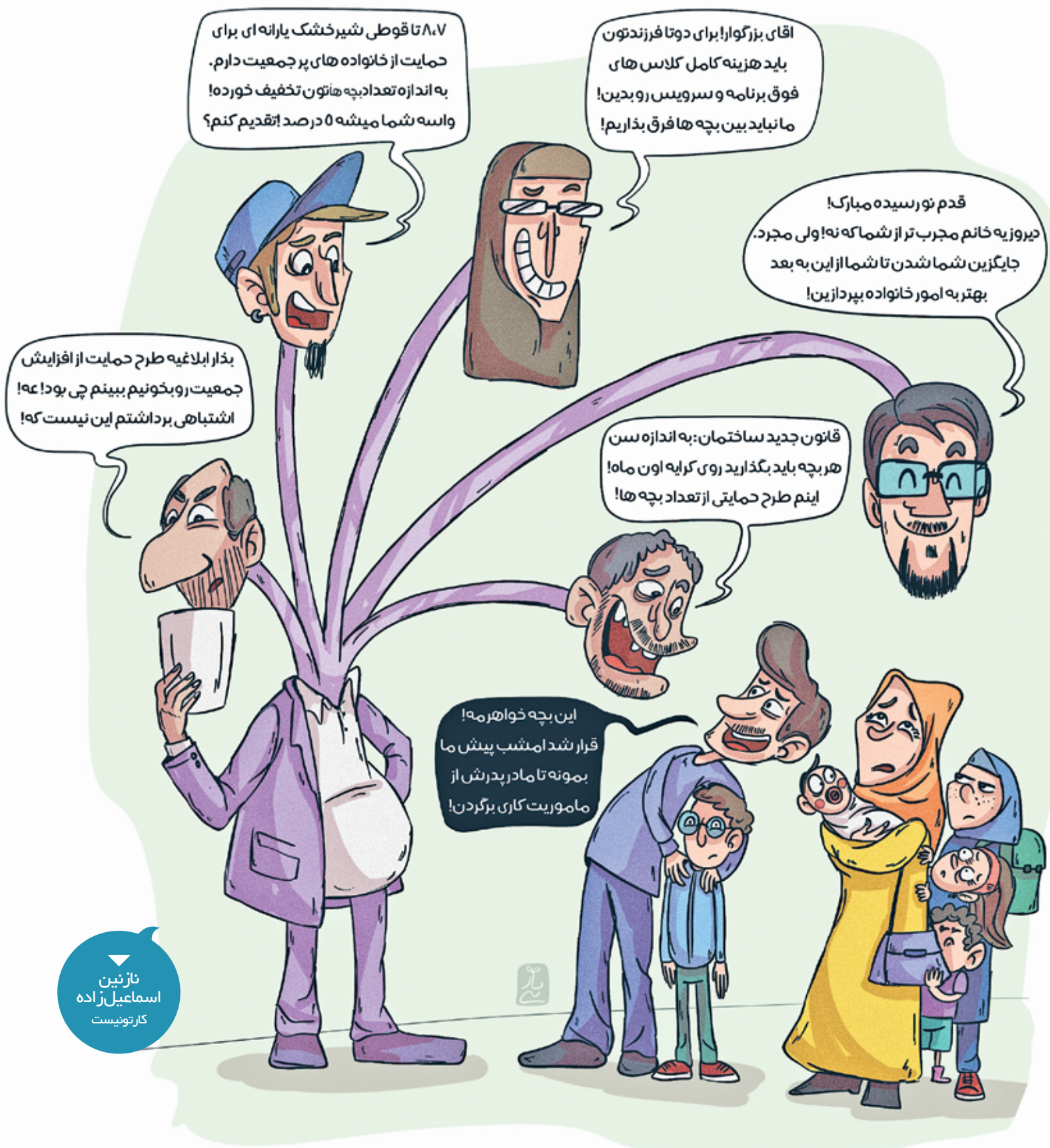
یا اینکه هر وقت صاحبخانه بچه های جدیدمان را دید بگوییم بچه فامیل است و خانواده اش مسافرت رفته اند. اینجا نوشته باید مراقب اشغال ها هم باشیم. باید هر شب به اندازه خانواده سه نفر اشغال ها را بیرون بذاریم و بقیه را در طول روز امحا کنیم.

جمعه

امروز با بچه ها خوابیدن در مکان های تنگ را تمرین کردیم. حالا همه بلند شده اند چه جوری کتابی بخوابند. فقط پسر وسطی کمی زیادی تپل شده و باید برای ۱۰ متر خودش برنامه ریزی جدی داشته باشد.

تمرین بعدی ورود به خانه بود. خدا رو شکر ما طبقه همکف را اجاره کردیم که دو تا از بچه ها را می توانیم از پنجره رد کنیم. اخبار دارد درباره ضرورت فرزندآوری می گوید. یاد صاحبخانه مهربان مان افتادم که خیلی در این باره اطلاعات داشت. عذاب وجدان می گیرم چرا راستش را نگفتم.

در گوگل دنبال راهکاری برای برطرف کردن عذاب وجدان می کردم.



نازنین اسماعیل زاده کارتونست

همبازی

نه خنده ای، تو خونه، نه صفایی بد دوره ای شده تنه، خدایی تو این دوره زموئه، مادر پدر، با بچه شون کلی دارن دردسر

دنبال به فرصت استثنایی که بچه رو ببیچونن دوتایی حال و هوا عوض کنن مختصر تا سر کوجه شون برن به سفر یامی خونن اون درسی کذایی دوباره از اول ابتدایی بچه که تنها باشه صد البته همبازیشم رایانه و تبلته

مادری که به دونه بچه داره هر روز داره دردسری دوباره

بعدم میگه بچه چی چیه بابا؟ راست میگه خب! نداره که سه چار تا

چند سال بعد به عده پیر و پاتال خونه سالمندانو کردن اشغال

اون موقع اون مامانی و بابایی تازه می فهمن چه بده تنهایی

زهره فرغانی

چند خبر کوتاه در سال ۱۴۵۰

با پیرترین حالت ملت چه کنم؟

در پی کاهش چشمگیر جمعیت جوان کشور، جمعیت پیر کشور بیش از پیش تنها شده و موج جدید آفرسردگی ملت را فراگرفت. کارشناسان این وضع اسفبار را ناشی از کم توجهی پیشینیان به مقوله جمعیت می دانند و معتقدند که الان معلوم نیست باید چه خاکی به سر ریخت.

تنی چند از میانسالان کشور که همگی تک فرزند خانواده های خود هستند، در اعتراض به کاهش توجه والدین خود، تجمع کردند. این میانسالان معتقدند کهولت بیش از حد سن والدینشان، باعث شده مانند قیل به تنها فرزندان خود توجه نکنند و بیشتر وقت خود را به بیماری و استراحت اختصاص دهند. کارشناسان معتقدند تک فرزندی این لوس بازی ها را هم دارد.

از دحام جمعیت در بخش عمه و دانی «موزه ملی فک و فامیل» کشور، حادثه آفرید و تعداد زیادی از بازدیدکنندگان این موزه را روانه بیمارستان کرد. این موزه که یکی از پربازدیدترین موزه های کشور است، به سوالات و شبهات زیادی در مورد چیستی تاریخی عمه و خاله و دایی و عمو و سایر بستگان سببی و نسبی پاسخ می دهد و از این رو افراد زیادی مشتاق بازدید از این موزه هستند.

در پی کمبود شدید نیروی کار جوان در کشور، در جلسه اخیر شورای کار، مبلغ قرارداد استخدام هر

نیروی کار به ازای هر کیلوگرم وزن، ۲۳۲ میلیون تومان تعیین شد.

سازمان تعزیرات از کشف و پلمب یک انبار نیروی کار جوان خبر داد که ماهها ۱۰۰ جوان قبرا و سرحال را احتکار کرده بود. سخنگوی این سازمان اعلام کرد با توجه به نیاز مبرم کشور به نیروی کار جوان، سازمان تعزیرات با هرگونه احتکار جوان بشدت برخورد خواهد کرد.

شهرداری تهران اعلام کرد برای کارفرمایانی که در میادین و سر گذرها منتظر کارگر جوان ایستاده اند، سایش بان و صندلی تعبیه خواهد کرد تا ایشان که عمدتاً بالای ۶۰ سال سن دارند، از انتظار طولانی مدت برای تأمین نیروی کار خسته نشوند.

وزیر کار اعلام کرد مذاکرات برای واردات ۲۰۰۰ تن نیروی کار جوان از کشورهای چین و هند تقریباً نهایی شده و بزودی توافق نهایی آن اعلام می شود. صاحبان مشاغل از الان می توانند در سامانه جامع قرعه کشی استخدام نیروی کار وارداتی ثبت نام نمایند.

با آغاز فصل نقل و انتقالات، دو باشگاه بزرگ پرسپولیس و استقلال با تماشاچیان جدید خود قرارداد بستند. با این قرارداد های جدید تعداد تماشاچیان روی سکوی این دو تیم از ۸ تماشاچی به ۱۱ تماشاچی افزایش می یابد. گفتنی است در اثر کمبود شدید جوانان پرشور، اکنون تماشاچی فوتبال، یکی از پردرآمدترین مشاغل کشور به شمار می رود.



محمدرضا رضایی



کارتونست: سیدمحمدجواد طاهری

پیر و پیر